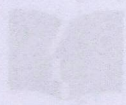


On Two Fronts  
by Christian Robin  
Paris, 1982  
Translated by Feroz Sitar

# کتاب بیهوده

کریستیان بوین

ترجمه  
پیروز سیّار



انتشارات دوستان

www.dostanook.ir

— کتاب بیهوده چگونه کتابی است؟  
— کتابی است که جز از کتاب‌ها سخن نمی‌گوید،  
مانند همین کتاب.

— پس نگاشتن آن چه ثمر دارد؟  
— کتاب‌ها جعبه‌های موسیقی لبالب از مرکب‌اند.  
خواستم چند نت لطیف را، چند نغمهٔ لالایی را،  
درست پیش از آن که به خاموشی گرایند، گرد  
آورم.

— آیا ادبیات چیزی برتر از لالایی نیست؟  
— ادبیات اگر به شادمانی نغمه‌هایی که کودک را  
به خواب می‌برد، می‌رسید، کاری بس بزرگ کرده  
بود، همان شادمانی حزن‌آمیز و بس شگرف که  
سال‌ها بعد شناخته می‌شود، لطافت جهان گذرا،  
اندوه ابدیت — تکرار مکرراتی که به هیچ  
نمی‌ارزد.

فرزانه، فربه، فسرده: مردی ساخورده، با شکم چاق و سر طاس، روی صندلی قطار نشسته و سرگرم مطالعه نرخ‌های بورس در روزنامه است. فرزانه، فربه، فسرده. نمی‌دانید که این تصویر را نویسنده‌ای دیگر توصیف کرده یا به راستی به چشم خود آن را در عکسی دیده‌اید. مهم آن است که در چه سنی با این تصویر آشنا شدید: در بیست سالگی. در این سن همه چیز را به روشنی می‌بینیم، هنوز از جدا ساختن چیزها از یکدیگر سر باز می‌زنیم، چیزهایی را که باهم‌اند به هم پیوند می‌دهیم، سرچشمه را با چشمه‌سار، علت را با معلول، نرخ‌های بورس را با فریبی و طاسی. این تصویر در دیدگان بیست سالگی شماست و زیر آن نوشته شده: پُل کلودل، سفیر-کاتولیک-شاعر. فرزانه، فربه، فسرده. این تصویر زمانی دراز شما را از لمس کردن کتاب‌های او بازداشت، کتاب‌های سفیر فربه، کاتولیک